

The Challenges of Transferring Energy from the Islamic Republic of Iran to the South Caucasus

Morteza Alavian

Associate Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science,
University of Mazandaran, Mazandaran, Iran (m.alavian@umz.ac.ir)

Seyed Saleh Musavi

Corresponding author, PhD student, Studies of Islamic political revolution,
Shahed University, Tehran, Iran (salehmusavi111@yahoo.com)

Abstract:

The South Caucasus region and the Caspian region are among the most important geostrategic regions which act as a communication corridor from Europe to Central Asia. Regarding the rich resources of energy carriers of Iran and the dire need for the region and European countries, it considers Iran important in terms of energy exchange. In spite of the opportunities for Iran to expand its influence in the South Caucasus region as well as the formation of a suitable and safe bed in the form of cooperation with the Eurasian states face serious challenges. The main question of this study is why the Islamic Republic of Iran has not been successful in comparison to its competitors, despite having large reserves of energy and transit capacities in transferring energy to the South Caucasus? In order to answer the current question, relevant and reliable sources and data collected by the library method have been used. The research findings indicate that despite the availability of a suitable market in the region, the existence of some challenges such as the presence of major powers such as the United States and European countries in the region of South Caucasus, the emergence of some competing corridors for Iran in line with the aims and political interests of European countries and Russia, has caused problems for Iran's energy maneuver in the South Caucasus region.

Keywords: Energy, Iran, South Caucasus, Challenges

چالش‌های پیش روی انتقال انرژی جمهوری اسلامی ایران به قفقاز جنوبی

مرتضی علویان

ندانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران
m.alavian@umz.ac.ir

سید صالح موسوی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
salehmusavi111@yahoo.com

چکیده

منطقه قفقاز جنوبی و منطقه خزر جزء مناطق با اهمیت ژئواستراتژیک است که به‌عنوان یک کریدور ارتباطی از اروپا به آسیای مرکزی عمل می‌کند. با توجه به ذخایر غنی حامل‌های انرژی ایران و نیاز مبرم کشورهای منطقه و اروپایی به این انرژی، ایران را از نظر جایگاه تبادل انرژی مهم جلوه داده است. با وجود فراهم آمدن فرصت‌هایی برای ایران در جهت گسترش نفوذ خویش در منطقه قفقاز جنوبی و همچنین شکل‌گیری بستر مناسب و امن در قالب همکاری با کشورهای اوراسیا با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده است. سوال اصلی پژوهش این است که چرا جمهوری اسلامی ایران با وجود برخورداری از ذخایر عظیم انرژی و ظرفیت‌های ترانزیتی در انتقال انرژی به قفقاز جنوبی در قیاس با رقبا ناموفق عمل کرده است؟ برای پاسخ به پرسش حاضر از منابع و اطلاعات مستند و معتبر که به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است، بهره‌گرفته شده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد با وجود مهیا بودن بازار مناسب در این منطقه برای انتقال انرژی ایران ولیکن وجود برخی از چالش‌هایی همچون: حضور قدرت‌های بزرگی همچون آمریکا و اتحادیه اروپا در منطقه قفقاز جنوبی، سیاست کاهش وابستگی به انرژی ایران و تمایل به کمرنگ کردن حضور ایران در منطقه از سوی کشورهای هم‌چون روسیه و ترکیه، پیدایش بعضی از کریدورهای رقیب برای ایران در راستای اهداف و منافع سیاسی کشورهای اروپایی و روسیه، وجود مشکلات در میداین نفت و گاز ایران، زمینه را برای مانور انرژی ایران در منطقه قفقاز جنوبی با اختلال روبه‌رو ساخته است.

واژگان کلیدی: انرژي، ايران، قفقاز جنوبي، چالش‌ها

تاريخ دريافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ تاريخ بازيابي: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸ تاريخ پذيرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱

۱. مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای جدیدی در عرصه بین‌المللی ظاهر شدند. جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در منطقه قفقاز از جمله جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده محسوب می‌شدند. کشورهای منطقه از آن زمان به دنبال پیوندهای بیرونی برای دستیابی به منافع اقتصادی و امنیتی خود بوده‌اند. (بهبودی نژاد، ۱۴۰۰: ۴۳) از این رو تغییرات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک صورت گرفته در منطقه قفقاز جنوبی، عاملی در جهت میزان اهمیت و افزایش تاثیرگذاری ژئوپلیتیک این منطقه به حساب می‌آید.

در منطقه قفقاز همواره نوعی رقابت و همکاری میان سه کشور (جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان و همچنین میان آنها با بازیگران خارجی وجود دارد. این سه کشور مسیرهای متفاوت و بعضاً متضادی را در زمینه تعاملات تجاری و سیاسی خویش پیش گرفته و در ائتلاف‌ها، پیمان‌ها، سازمان‌ها و برنامه‌های متفاوتی مشارکت کرده‌اند. (شمودی پيله رود و زر مهری، ۱۳۹۴: ۶۶) تاسیس جمهوری‌های تازه استقلال یافته بعد از فروپاشی شوروی، وضعیت جدیدی را در مرزهای شمالی ایران بوجود آورد. کشورهای قفقاز جنوبی از نظر جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیکی قرابت مشهودی با جمهوری اسلامی داشتند و از این‌رو وضعیت این کشورها از نظر

امنیتی، اقتصادی، فرهنگ و سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. (ثریا، ۱۳۸۹: ۱۷۰). هم چنین با ایجاد خلاء قدرت ایجاد شده در این منطقه، زمینه را برای رقابت میان همسایگان و قدرت های فرمانطقه ای فراهم آورده است. این رقابت سبب گشته تا هر یک از این قدرت‌های بزرگ (اتحادیه اروپا، روسیه، آمریکا) درصدد گسترش نفوذ خود در منطقه برآیند. بنابراین هر یک از قدرت‌های بزرگ به دنبال کنترل انرژی در این منطقه می‌باشند. (حیدری، ۱۳۹۰: ۲۰۷)

دریای خزر را می توان به‌عنوان کریدور ارتباطی از اروپا به آسیای مرکزی نام برد که به‌عنوان بزرگترین دریاچه در مرزهای شرقی قفقاز، و محل تلاقی آسیای مرکزی، قفقاز و ایران می‌باشد. با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی آذربایجان در حامل‌های انرژی، سرمایه‌گذاری‌های فراوانی از سوی کشورهای خارجی در آن زمینه صورت پذیرفته است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از مسیرهای حمل و نقل قفقاز برای منافع اقتصادی خود بهره مند گردد. با توجه به اینکه قفقاز - گرجستان راه سنتی ایران به اروپا بوده است، در نتیجه قفقاز می‌تواند راه ترانزیتی و ارتباطی برای دسترسی به کشورهای حاشیه دریای سیاه و اروپا را برای ایران فراهم آورده و ادامه این روند و افزایش توان ارتباطی ایران منجر به انحصار شکنی ترکیه به عنوان پنجره ورود به کشورهای اروپایی می‌گردد. (رضایی، ۱۳۳: ۱۳۸۴)

با توجه به ظرفیت‌های موجود، ایران می‌تواند جایگاه بین‌المللی خود را ارتقاء بخشیده و هرگونه تلاش برای منزوی ساختن جایگاه بین‌المللی خود را خنثی نماید. همچنین عبور مسیر خط لوله انرژی از خاک ایران می‌توانست درآمد مناسبی را برای کشور ایجاد نماید. (ثریا، ۱۳۸۹: ۱۸۰) نکته‌ی مهم آن است که این منطقه همان‌گونه که می‌تواند فراهم آورنده فرصت‌های سازنده‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی برای ایران باشد می‌تواند به همان میزان چالش برانگیز هم باشد زیرا هم مرز بودن با سه کشور بی ثبات، همراه با اختلافات سرزمینی و مرزی در آن حوضه، منطقه‌ای تهدید زا برای امنیت ایران محسوب می‌شود. نمونه‌ای از آن تهدیدها را می‌توان به جنگ خونین سال قبل میان دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان اشاره کرد. هم چنین نقش و دخالت قدرت‌های خارجی (آمریکا، روسیه و کشورهای اروپایی) در فروش تسلیحات و یا آموزش نظامی، و در ادامه فعالیت‌های پانترکیسم همگی از عوامل چالش برانگیز و نگران کننده برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی می‌باشد. همچنین در موارد اخیر می‌توان ادعان داشت که فعالیت‌های

ترکیه و پانترکیسم خطر بروز مشکلات قومیتی و تجزیه طلبی را در مرزهای ایران به همراه دارد.

با توجه به اینکه کشور ایران و جمهوری‌های قفقاز جنوبی در سال‌های اخیر به دلیل مسائلی از قبیل مسئله ارمنستان و آذربایجان و همچنین وجود قدرت‌های بزرگ در این منطقه، مثل گذشته روابط و همکاری‌های نزدیکی را با هم ندارند، سؤالاتی که در این‌جا برای نویسندگان این مقاله مطرح بوده این است که چرا جمهوری اسلامی ایران با وجود برخورداری از ذخایر عظیم انرژی و ظرفیت‌های ترانزیتی در انتقال انرژی به قفقاز جنوبی در قیاس با رقبای ناموفق عمل کرده است؟ و جمهوری اسلامی برای انتقال انرژی به قفقاز جنوبی با چه چالش‌ها و تهدیداتی مواجه است؟ نگارندگان با بهره‌گیری از شیوه‌ی گردآوری اطلاعات و اسناد کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی به سؤالات پژوهش پاسخ می‌دهند.

۲. چارچوب نظری: ژئوپلیتیک انرژی

۲-۱. ارزیابی عملکرد

نظریه ژئوپلیتیک از رویکردهای سنتی در روابط بین‌الملل است که تعامل انسان با طبیعت، ریشه‌های جغرافیایی قدرت ملی و میزان امکان دگرگونی عوامل زیست محیطی جهت رفع نیازهای انسانی و ملی را مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد. (فالتز گراپ، ۱۳۷۲؛ ۴۵-۴۲). همچنین کنترل سرزمینی و قدرت ملی از مؤلفه‌های اصلی این نظریه است. همچنین ژئوپلیتیک عبارت از مطالعه پدیده‌های سیاسی براساس رابطه مکانی و فضایی آنها و همچنین میزان وابستگی و تاثیر آنها بر زمین و کلیه عوامل فرهنگی و انسانی است که موضوع علم جغرافیایی انسانی می‌باشد. لذا ژئوپلیتیک؛ رویکردی در عرصه سیاست خارجی است که بر اساس محیط فیزیکی و جغرافیایی سرزمین به تبیین و پیش‌بینی رفتار سیاست خارجی کشور می‌پردازد و توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی و اقتصادی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عوامل جغرافیایی مادی از موقعیت فیزیکی کشور ناشی می‌شوند و عناصری مانند موقعیت جغرافیایی، وسعت سرزمینی، منابع طبیعی، آب و هوا، شکل سرزمینی، پستی و بلندی و مرزها را در برمی‌گیرد. همچنین عوامل جغرافیایی شامل کلیه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی است که در ارتباط با جغرافیای کشور اعم از انسانی و غیرانسانی می‌باشد. عناصر انسانی که از ویژگی‌های جمعیتی کشور سرچشمه

می‌گیرد، شامل عواملی چون پیشینه و تجارت تاریخی، تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی، فرهنگ سیاسی، بافت قومی و نژادی و مذهب می‌شود (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۲)

بنابراین، نظریه پردازان ژئوپلیتیک استدلال می‌کنند که عوامل جغرافیایی، به ویژه موقعیت جغرافیایی هر کشور نقش تعیین کننده‌ای در جهت گیری قدرت ملی و تاثیر گذاری سیاست خارجی دارد. آنها رفتار سیاست خارجی کشورها را تابعی از شرایط و وضعیت جغرافیایی آنان می‌دانند و تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران ملی را در چهارچوب الزامات ژئوپلیتیک تحلیل می‌کنند؛ زیرا وضعیت جغرافیایی، بر انتخاب و محدود سازی گزینه‌های موجود برای کشور در عرصه سیاست خارجی نقش بسزایی را بر عهده دارد.

با این دیدگاه می‌توانیم این نکته را ذکر کنیم که دیپلماسی انرژی ابزاری ترکیبی در حوزه سیاست خارجی می‌باشد که با توجه به نوع اهداف و منافع ملی کشورها انعطاف پذیر می‌باشد. دیپلماسی انرژی می‌تواند از همکاری متقابل در پروژه‌های نفت و گاز به منظور توسعه میادین مشترک برای کسب اتفاق نظر در جهت حداکثر سازی منافع ملی کشورها تا ابزاری برای اعمال نفوذ از طریق اجبار را در بر گیرد. (کریمی پور، ۱۳۹۲: ۶۱۸) از این رو، کشورهای قدرتمند به منظور تأمین انرژی مورد نیاز خود حتی به گزینه‌های نظامی به عنوان یک ابزار نگاه می‌کنند.

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت منطقه قفقاز، یکی از خاستگاه‌های مهم تمدن بشری است. و از دیرباز در قلمرو تمدنی ایران واقع شده است. همچنین قفقاز منطقه‌ای کوهستانی است که جنوب آن جمهوری اسلامی ایران و شمال آن فدراسیون روسیه و غرب آن دریای سیاه و دریای آزوف و شرق آن به دیای خزر منتهی می‌شود. (امیراحمدیان، ۱۳۸۱: ۱) این منطقه به منزله‌ی پلی طبیعی می‌باشد که بین اروپا و آسیا واقع شده است که آنرا به مرکز ثقل ارتباط شرق، غرب، شمال و جنوب جهان تبدیل نموده است.

براساس نظریه «هالفورد مکیندر»، قفقاز منطقه‌ای است که عنوان قلب زمین را دارا می‌باشد. زیرا که این منطقه در حد فاصل مناطق استراتژیک هارتلند و ریملند و از سوی دیگر در همسایگی با روسیه قرار گرفته است. از این رو به دلیل موقعیت بسیار مهم این منطقه، شاهد حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای-که بعضاً دارای منافع متضادی می‌باشند- در قفقاز جنوبی و تقابل قدرت‌های جهانی در این منطقه هستیم. علاوه بر آن وجود منابع عظیم انرژی و خاویار، که در تمام نقاط

جهان بی نظیر است، به این منطقه اهمیتی خاص بخشیده است (قادری نجف آبادی، ۱۳۸۱: ۱۰)

۳. پیشینه روابط ایران و قفقاز جنوبی

ایران در همسایگی سه منطقه اصلی و مهم خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و آسیای جنوبی قرار دارد. در این میان قفقاز جنوبی نقش مهمی را در محاسبات ژئواستراتژیکی تهران ایفاء می‌کند. هم چنین به سبب هم مرز بودن با قفقاز جنوبی از تاریخ و تمدنی مشترک برخوردار هستند ولیکن وقوع دو رویداد مهم هم چون: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و به استقلال رسیدن کشورهای منطقه قفقاز جنوبی (آذربایجان، گرجستان و ارمنستان) و وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ سبب شده است که درجات متفاوتی از سوتفاهم و نبود اطمینان را میان تهران و همسایگانش فراهم آورد؛ به نحوی که ایران به منزله‌ی کشوری تنها محسوب شود و روابطی همراه با تنش را با این کشورها تجربه نماید.

با این حال نمی‌توان از نقش جایگاه این منطقه و اهمیتی که برای ایران دارد؛ غافل شد. قفقاز و حوزه‌ی دریای خزر منطقه‌ی ویژه‌ای است که در مرکز اوراسیا قرار دارد. بدون شک منطقه‌ی قفقاز بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و با شکل‌گیری دولت‌ها و کشورهای تازه تاسیس فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی سیاسی و فرهنگی برای سایر کشورها به خصوص کشورهای همسایه ایجاد کرده است (ولدانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

اهمیت منطقه قفقاز جنوبی و حساسیت جمهوری اسلامی ایران، در راستای مجاورت منطقه قفقاز جنوبی و دریای خزر و همچنین ترانزیت انرژی ایران از طریق این منطقه به اروپا و در نهایت سوآپ و انتقال انرژی آذربایجان به خارج قفقاز جنوبی می‌باشد. با توجه به استقلال سه کشور (آذربایجان، گرجستان و ارمنستان) این دیدگاه مطرح گردید که تهدید امنیتی علیه ایران از جانب شمال غرب کاسته خواهد شد. همچنین جمهوری اسلامی ایران بر پایه واقعیت‌های مشهود میدانی ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک نسبت به این منطقه به عنوان مکمل اقتصادی و امنیتی خود حساسیت زیادی قائل بوده است. دهقانی، ۱۳۸۹: ۲۱۱-۲۰۹

ارمنستان کشوری محصور در خشکی است. هم‌چنین کمترین وسعت را در منطقه قفقاز جنوبی دارا می‌باشد. ارمنستان و گرجستان در منطقه قفقاز جنوبی وارد کننده سوخت‌های فسیلی می‌باشند و ارمنستان تنها از راه گرجستان و ایران با

دنیای بیرون در ارتباط است، هم‌چنین به دلیل عرض کم نسبت به طول و روابط نامناسب با دو همسایه شرق و غرب خود، از نظر دفاعی آسیب پذیر است (ثریا، ۱۳۸۹: ۱۸۱). از سویی دیگر، وجود بی ثباتی سیاسی در گرجستان و جنگ اخیر با روسیه و تنش در مناطق آبخازستان و اوستیا و عدم تسلط حکومت مرکزی بر این مناطق، باعث این گردیده که گرجستان مسیر حمل و نقل قابل اتکایی برای ارمنستان نباشد و لذا تاثیر این امر بر روابط بالقوه ارمنستان در حوزه اقتصادی را نمی‌توان کتمان و از آن چشم پوشی کرد. (عطایی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

در ارتباط با جمهوری آذربایجان باید گفت این جمهوری از دیرباز با گرجی‌ها دارای روابطی مناسب بوده‌اند. روابط آذربایجان با گرجستان به خاطر هم مرز بودن و روابط تجاری دیرینه و نداشتن مناقشه علی‌رغم قرابت‌های فرهنگی و مذهبی گرجستان با ارمنستان به مراتب نزدیکتر و صمیمانه‌تر می‌باشد. هم‌چنین تفاوت های دینی و مذهبی در بین این سه کشور، به طرز کاملاً مشهودی حاکم است. ولیکن می‌توان وجود نوعی قرابت دینی را در میان آذربایجان و گرجستان مشاهده نمود. زیرا که در این جمهوری اقلیت مسلمان هستند و اکثریت پیرو دین مسیحیت هستند. از این رو؛ وجود این ملاحظات مذهبی و سیاسی سبب شده است که همواره یک سری بدگمانی‌هایی در روابطش با ایران باشد.

مسئله مهم تر در روابط ایران و آذربایجان، موضوع قومیت می‌باشد و همین امر سبب شده بر روابط دو کشور تاثیر بگذارد. وجود دو دیدگاه متفاوت از مفهوم هویت و ملت باوری در نزد آذری‌های ایرانی و جمهوری آذربایجان حکایت از این امر دارد. هم‌چنین توافق نرسیدن در مورد رژیم حقوقی دریای خزر و عدم توافق از کنسرسیوم بزرگی که برای استخراج منابع نفتی جمهوری آذربایجان تحت فشار آمریکا روی داد منجر به نامساعد شدن و تیرگی روابط این دو کشور در حوزه انرژی گردیده است.

(Sadegh-zadeh:2008)

با توجه به نبود مرز مشترک بین گرجستان و ایران، دو کشور پس از استقلال گرجستان روابط کامل دیپلماتیک با یکدیگر برقرار کردند، اما روابط گرجستان با ایران محدود بوده است (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). علیرغم قرابت‌های فرهنگی و مذهبی موجود بین گرجستان و ارمنستان، روابط گرجستان با آذربایجان نزدیک تر و صمیمی تر است. زیرا گرجستان برای تأمین نیازهای خود در زمینه سوخت و انرژی نیازمند برقراری روابط نزدیک با آذربایجان می‌باشد (ثریا، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

نکته‌ی مهم در روابط کشورهای قفقاز جنوبی این موضوع می‌باشد که روابط ارمنستان و آذربایجان در دوره‌ای بر سر اختلافات ارضی با تنش همراه بوده است و این ممکن است بعدها نیز بر سطح روابط در این منطقه تاثیر گذار باشد ولیکن از سویی دیگر، روابط گرجستان و آذربایجان حسنه می‌باشد، زیرا که گرجستان در مسائل مرتبط با امنیت مرزها، تمامیت ارضی با آذربایجان همدردی می‌کند. گرچه گرجستان روابط خوبی با ارمنستان دارد ولیکن همواره روابط با آذربایجان از اولویت بالایی برخوردار است.

بنابراین در منطقه‌ی قفقاز جنوبی، گرجستان و آذربایجان دو جمهوری هستند که تمایل به حضور آمریکا در منطقه دارند و با بحرانی شدن سطح روابط گرجستان با روسیه از زمان به قدرت رسیدن ساکاشویلی، روسیه تصمیم گرفت با توجه به وابستگی شدید گرجستان به انرژی این کشور، بهای گاز صادراتی را بیش از دو برابر افزایش دهد. ازاینرو تمایل تفلیس به جایگزینی انرژی مورد نیاز از منابع دیگر در دستور کار قرار گرفت و در عرضه نظر، جمهوری اسلامی ایران باید جایگزین ایده آل برای این جابجایی باشد.

باتوجه به فراهم کردن انرژی مورد نیاز گرجستان در فوریه ۲۰۰۶ توسط ایران، همچنین قطع این همکاری با شروع تحریم‌های آمریکا علیه ایران، می‌توان این واقعه را حرکت مثبتی جهت سرآغاز همکاری بلند مدت و گسترده تهران و تفلیس در زمینه انرژی دانست. در این میان هم، اتحادیه اروپا ناچاراً بدنبال جایگزین دیگری برای انتقال انرژی به گرجستان بود. (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

۴. ظرفیت انرژی ایران

ایران کشوری است که به سبب برخورداری از موقعیت ژئوپولیتیک مناسب و منابع انرژی در زمره‌ی کشورهای تاثیر گذار و با اهمیت قرار گرفته است. همچنین با توجه به برخورداری از یکی از بزرگترین ذخایر نفت دنیا و قرار گرفتن در دو منطقه سرشار از انرژی: دریای خزر و خلیج فارس اهمیت آن را دو چندان کرده است. (نوذری، ۱۳۸۵: ۲۶). در چارچوب اقتصاد ایران عمدتاً بر صادرات گاز و نفت تاکید شده و درصد زیادی از درآمدهای خارجی ایران بر مبنای صادرات انرژی آن است. همچنین ایران یکی از اعضای اصلی سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) می‌باشد.

براساس گزارش شرکت بی‌پی (BP) در گزارش آماری بخش انرژی ۲۰۲۱ خود، ایران در سال ۲۰۲۰ در هر ۲ بخش تولید و مصرف نفت خام کاهش داشته، اما در

بخش پالایشی شرایط کاملاً متفاوت است و رشد بخش پالایشی ایران در یک دهه منتهی به ۲۰۱۹ به شکل چشمگیری فراتر از میانگین جهانی بوده و به‌رغم کاهش اندک ظرفیت پالایشی و توان عملیاتی کشور در سال ۲۰۲۰، باز هم در هر دو بخش ایران رتبه هشتم جهان را در اختیار دارد. گزارش سالانه شرکت بی‌پی میزان کل ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را ۱۸۸/۱ تریلیون متر مکعب اعلام کرده است که روسیه با ۳۷/۴ تریلیون مترمکعب و سهمی ۱۹/۹ درصدی از کل، بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان است. رتبه دوم این لیست نیز در اختیار ایران با سهمی ۱۷/۱ درصدی قرار دارد که معادل ۳۲/۱ تریلیون مترمکعب است. قطر، ترکمنستان، آمریکا، چین، ونزوئلا، عربستان سعودی، امارات و نیجریه در میان دارندگان گاز طبیعی سوم تا دهم هستند.

۴-۱. خطوط انتقال انرژی موجود

امروزه انتقال انرژی از طریق خط لوله از موضوعات مهم در زمینه امنیت انرژی تلقی می‌شود و اکثر کشورها در صادرات و واردات خود به مسیرهای عبور آن توجه می‌کنند. با توجه به اینکه خطوط انتقال انرژی برای هر کشور از مهم‌ترین اصل توسعه به شمار می‌رود، لذا در صورت عدم توجه به امنیت این مسیرها بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و بعضاً محیط زیستی برای کشورها ایجاد خواهد شد. همچنین ایران نیز به دلیل وسعت زیاد و پراکندگی جمعیت و قرار گرفتن میدین نفت و گاز در جنوب و جنوب غربی کشور از خطوط انتقال زیادی برخوردار است که با توجه به حساسیت‌های موجود باید به امنیت مسیر این خطوط توجه ویژه‌ای داشته باشد و نسبت به آنها تدابیر ویژه‌ای اتخاذ کند. (امیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲)

با توجه به منابع سرشار نفت و گاز در حوزه دریای خزر و باگذشت زمان و اطمینان حاصله از ذخایر مشهود انرژی و نحوه انتقال آن به بازارهای مورد نیاز مصرفی، مناسبترین راه برای انتقال این انرژی حیاتی مسیر خشکی می‌باشد. همچنین باتوجه به ملاحظات اقتصادی و ملاحظات سیاسی که نسبت به حساسیت‌های موجود در منطقه وجود داشته نیز باید تدابیر لازم صورت گیرد. (دادمان، ۱۳۹۷: ۱۳۱)



شکل شماره ۱. خطوط انتقال انرژی در منطقه قفقاز جنوبی

حوزه انرژی بلاشک یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که جمهوری اسلامی می‌تواند در سطح منطقه برای تحقق اهداف خود نهایت بهره‌مندی از این ظرفیت را برخوردار باشد. از این رو، موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ذخایر سرشار نفت و گاز ایران، فرصت ارزشمندی را برای ایران فراهم آورده است تا بتواند از این ظرفیت عظیم جهت پیوند میان منابع انرژی خود از جنوب، شمال و شمال شرق، از طریق خطوط لوله استفاده کند (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱: ۲۸). بیشترین حجم صادرات گاز ایران از طریق لوله به ترکیه، ارمنستان و آذربایجان می‌باشد. در این بین نیاز ترکیه به دلیل داشتن شرکای تجاری گاز، به گاز ایران کاهش یافته است. لذا ایران با جایگزین کردن خطوط لوله (روسیه-باکو-تفلیس-ارزروم-آذربایجان و خطوط بلغارستان) این خلاء را پوشش و گاز خود را صادر می‌کند (شعبانی، ۱۳۹۸، ۴۲۵).

قفقاز جنوبی و کشورهای این منطقه برای ایران دارای جایگاه ویژه و با اهمیتی هستند. این منطقه با توجه به موقعیت‌ها استراتژیکی برای کشورهای دیگر نیز حائز اهمیت می‌باشد، لذا به علت نزدیکی این منطقه با ایران اهمیت آن را به مراتب بیشتر و حساس‌تر نموده است (ولدانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۶). ایران همیشه اعلام کرده که مسیر حمل نفت و گاز از طریق کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به سوی خلیج فارس امن‌ترین و به صرفه‌ترین راه و مهم‌ترین گزینه برای کریدور حمل و نقل

شمال-جنوب می‌باشد. به همین خاطر سیاست خود را در جهت توسعه همکاری با کشورهای این منطقه قرار داده است.

ساخت زیربناها، پالایشگاه‌ها و خطوط حمل انرژی، امتیاز مناسبی برای ایران در منطقه پدید آورده است. وجود خطوط لوله شمال به جنوب و همجواری ایران با جمهوری‌های قفقاز جنوبی، فرصت خوبی برای این کشور در معامله با کشورهای آسیای مرکزی فراهم داشته که این موقعیت می‌تواند باعث تقویت پیوندهای سیاسی و اقتصادی آنها شود. ایران برای ایفای نقش فعال در بازار انرژی آسیای مرکزی، علاوه بر موقعیت و جایگاه خود در منطقه، باید ارتباط و همگرایی با کشورهای آسیای مرکزی را نیز مورد بررسی قرار دهد.

در رابطه با همکاری ایران و کشورهای قفقاز جنوبی، می‌توان به دعوت دولت آذربایجان از ایران برای توسعه میدان گاز شاه دنیز و مشارکت ایران در پروژه‌های گازی تاپ (ترنس آدریاتیک) و خط لوله تلنپ (ترنس آناتلی) همچنین انعقاد قرارداد بین پژوهشگاه صنعت نفت ایران و مؤسسه نفتی سوکار آذربایجان برای توسعه میدان‌های نفتی اشاره داشت. در این راستا برای بیشتر شدن مناسبات ایران و آذربایجان، عامل انرژی می‌تواند نقش و جایگاه بسیار مهمی در تقویت مناسبات دو کشور داشته باشد. همچنین در گذشته دو کشور تجربه موفق در زمینه سوآپ آپ گاز در منطقه خود مختار نخجوان داشته‌اند، بطوری که در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ آذربایجان روزانه حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار متر مکعب گاز به ایران داده و ایران در مقابل با کسر مقداری از این گاز بعنوان حق سوپ آپ حدود یک میلیون متر مکعب گاز را تحویل نخجوان داده است. (تیشه یار و بهرامی، ۱۳۹۷: ۲۹).

با توجه به اینکه تعاملات ایران و آذربایجان در زمینه گاز بیشتر بر محور خط لوله خوی-نخجوان تمرکز داشته، لذا درسالهای اخیر و با خط لوله نفتی باکو - تفلیس-جیحون و ظهور آذربایجان بعنوان یک بازیگر مهم در بازار انرژی روابط ایران و آذربایجان تا حدودی با مشکل و گسست مواجه شده است. (همان) از این رو، در حالی که گرجستان و آذربایجان محکم به مدار منافع آمریکا چسبیده‌اند و با احتیاط نسبت به همسایه جنوبی خود برخورد می‌کنند، ارمنستان نقطه اتکای ایران در قفقاز جنوبی بوده است (یو.آ. بلابروف و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۶).



شکل ۲. تصویری از خطوط لوله‌ی تاپ و فرصتی برای انتقال انرژی از سوی کشور ایران

ارمنستان به دلیل اشتراکات فرهنگی و تاریخی، تعاملات تجاری، اقتصادی و فنی همچنین نیاز این کشور به واردات انرژی تمایل و همچنین به دلیل فقر انرژی و نداشتن منابع گاز و نفت از مشتریان نفت و گاز ایران می‌باشد. بطوری که بعد از استقلال، حجم مبادلات ایران و این کشور همواره با رشد روبرو بوده است. این دو کشور در سال ۱۹۹۲ در زمینه خرید گاز توسط ارمنستان و تاسیس یک پالایشگاه و سرمایه گذاری‌های مشترک و روابط مرزی به توافق رسیدند (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

این کشور سالیان سال گاز خود را از روسیه و از طریق گرجستان تأمین داشته، لذا مشکلات سیاسی گرجستان با روسیه این روابط را تحت تاثیر قرار داد و در اواخر سال ۲۰۰۸ ارمنستان گاز طبیعی خود را از طریق خط لوله تبریز منگری قاجاران آرات با ظرفیت ۲/۶ میلیارد متر مکعب در سال آغاز و به وسیله صدور نیروی برق به ایران هزینه آن را پرداخت می‌کرد. همچنین ارمنستان تمایل خود مبنی بر ترانزیت گاز ایران به کشورهای دیگر از طریق اتصال خط لوله ایران به خط لوله سراسری ارمنستان که در منطقه کاجاران این کشور انجام می‌شود را اعلام کرده است. (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). موضوع انرژی همیشه یکی از مسایل مهم در روابط دو کشور بوده، راه اندازی خط لوله گاز طبیعی ایران - ارمنستان در سال ۲۰۱۴، را می‌توان حاصل مذاکرات ۱۰ ساله و توافق این دو کشور و عمیق‌تر شدن روابط دو جانبه آن قلمداد نمود. همچنین پروژه طرح احداث خط لوله نفت از پالایشگاه تبریز به کشور ارمنستان را می‌توان یکی از پروژه‌های مهم بین ایران و ارمنستان عنوان داشت. با توجه به این دو پروژه مهم انرژی شامل نیروگاه برق آبی بر روی رود بین دو کشور ارس و سومین خط ولتاژ را نیز می‌توان از دیگر پروژه‌های بین این دو کشور نام برد. (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶، ۱۲۴).

کشور روسیه اصلی ترین شریک اقتصادی ارمنستان است و بیشترین صادرات ارمنستان به روسیه است. روسیه با در دست داشتن ۲۷ درصد از صادرات ارمنستان، بیشترین میزان حجم صادرات این کشور را در اختیار دارد و یکی از واردکنندگان اصلی کالا از ارمنستان به حساب می آید. بعد از روسیه، کشورهایی همچون سوئیس با ۱۴.۱۶ درصد، بلغارستان با ۹.۱ درصد، عراق با ۶.۲۳ درصد، هلند با ۵.۵۵ درصد، چین با ۴.۵ درصد و ایران با ۳.۹۵ درصد در رده های بعدی حضور دارند. طبق آمار منشتر شده^۱، ایران نقش پر رنگ تری را در واردات ارمنستان ایفا می کند. به شکلی که بیش از ۵ درصد از واردات ارمنستان را ایران تأمین می کند. اما هنوز هم چین و روسیه در صدر واردات ارمنستان قرار دارند. طبق آمار ایران سومین کشوری است که واردات ارمنستان را تأمین می کند که نشان دهنده تجارت قوی بین ایران و ارمنستان است. یکی دیگر از کشورهای قفقاز جنوبی که به دلیل نداشتن مرز مشترک با ایران روابط محدودی با هم داشته اند، گرجستان می باشد. میزان گستردگی روابط این دو کشور در سطح روابط ایران با کشورهای آذربایجان و ارمنستان نبوده، و همچنین وابستگی شدید گرجستان به منابع انرژی روسیه و قرار دادن اهرم فشار از جانب روسیه برای افزایش نامتناسب قیمت های انرژی، این کشور را بر آن داشت تا انرژی مورد نیاز خود را از منابع دیگر تأمین داشته و در این راستا، ایران جایگزین خوبی برای این امر به نظر می آمد. بنابراین در سال ۲۰۰۶ گرجستان برای مدتی کوتاه انرژی مورد نیاز و مصرفی خود را از ایران تأمین داشت، اما این تعامل به صورت موقت بیش از چند روز انجام نگردید، که ایران طبق توافق فی مابین روزانه ۴ میلیون متر مکعب گاز از طریق جمهوری آذربایجان به گرجستان انتقال داده است. همچنین در سال ۲۰۰۷ و پس از افتتاح خط لوله گاز ایران- ارمنستان بحث اینکه این خط لوله تا گرجستان ادامه داشته باشد مطرح گردیده، که بنا بر مخالفت روسیه با طرح پیشنهادی انتقال گاز ایران به گرجستان از راه ارمنستان، در نتیجه این طرح نیز در حد یک پیشنهاد باقی مانده و جنبه عملی به خود نگرفت، چرا که روسیه با طرح پیشنهادی انتقال گاز ایران به گرجستان از راه ارمنستان مخالفت داشت.

در سال ۲۰۱۶ بار دیگر مذاکراتی در رابطه با انتقال گاز ایران به گرجستان صورت گرفت اما گرجستان با انتخاب آذربایجان بعنوان منبع تأمین گاز مورد نیاز و شریک بلندمدت خود نشان داد که گرجستان فعلاً به گاز ایران نیاز ندارد. با این وجود هر دو

¹ <https://www.trademap.org>

کشور همچنان به توسعه تعاملات در این حوزه تمایل دارند که در صورت گسترش روابط ایران و گرجستان در حوزه انرژی علاوه بر اینکه برای دو کشور منافع اقتصادی و استراتژیک بدنبال خواهد داشت در سطح فرامنطقه‌ای نیز تاثیرگذار خواهد بود (مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا).

بنابراین ایران به دلیل موقعیت ویژه خود و داشتن منابع سرشار و عظیم در حوزه انرژی همواره بدنبال انتقال انرژی به کشورهای همجوار و بهبود وضعیت اقتصادی خود بوده و برای انتقال انرژی مسیریایی که از کشورهای قفقاز جنوبی می‌گذرد را به دلیل موقعیت ویژه مناسب ترین راه می‌داند. همین امر خود باعث گسترش روابط ایران با کشورهای این منطقه شده است. نمونه بارز نزدیک شدن ایران به کشورهای این منطقه حضور ایران در پروژه‌های میدان گاز شاه دنیز، پروژه‌های گازی تاپ و خطوط لوله تاناپ و انعقاد قرار داد با مؤسسه‌های نفتی آذربایجان در زمینه توسعه میدان‌های نفتی می‌باشد.

۵. چالش‌های پیش روی ایران در انتقال انرژی

با افزایش وابستگی اقتصادی جهان به منابع انرژی، دامنه‌دار شدن تنش‌ها در خاورمیانه و نیز ظهور روسیه به عنوان یک بازیگر اصلی در بازار انرژی جهان، نفت و گاز دریای خزر و مسیره‌های انتقال آن به بازارهای مصرف، بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های بزرگ صنعتی قرار گرفته است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران در مناسب‌ترین موقعیت جغرافیایی برای انتقال منابع این کشورها به بازارهای مصرف قرار گرفته است، اما ایالات متحده آمریکا سعی در نادیده گرفتن مسیر ایران به عنوان امن ترین، اقتصادی ترین و کوتاه ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به بازارهای جهانی دارد. از دیدگاه ژئوپلیتیک ایالات متحده آمریکا، ظرفیت‌های بالقوه جغرافیایی ایران، به عنوان تنها کشور ارتباط دهنده دو انبار تأمین کننده انرژی قرن ۲۱، امکان به دست آوردن نقش عمده‌ای در ژئوپلیتیک جهانی این قرن را در اختیار ایران می‌گذارد، از این رو آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ سعی در خنثی کردن آن می‌کنند (اطاعت و نصرتی، ۱۳۸۸).

۵-۱. انحصار طلبی روسیه در حوزه انرژی

با گذشت چند دهه از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، روسیه همچنان به کشورهای جدا شده از شوروی سابق به دید منطقه منافع خاص و حوزه نفوذ خود می‌نگرد. همچنین الویت مهم سیاست خارجی روسیه در درجه اول توسعه

همکاری‌های دوجانبه و چند جانبه با کشورهای مشترک المنافع بوده که این امر به صراحت در سند راهبرد امنیت ملی روسیه به آن اشاره گردیده است. با توجه به اینکه روسیه جایگاه خود را در منطقه قفقاز جنوبی از طریق سازمان‌های تحت رهبری همچون اتحادیه اوراسیا و پیمان امنیت جمعی تثبیت و تقویت داشته و از این رو هدف نهایی خود برای کنترل غیر رسمی بر این کشورها در حوزه‌های مختلف انرژی و اقتصادی و تجاری و دفاعی بیش از پیش گسترش داده است. (اصولی، ۱۳۹۲).

با توجه به اینکه جمهوری آذربایجان، بزرگترین جمهوری نفت خیز مجموعه شوروی سابق بوده، بنابراین روسیه برای کنترل همه جانبه قفقاز می‌کوشد تا به هر نحوی مانع حضور ایالات متحده آمریکا و غرب در این منطقه گردد. همچنین روسیه مصمم بوده تا انرژی قفقاز را از طریق این کشور به بازارهای جهانی انتقال دهد تا همواره بر ابزار انرژی کنترل و نفوذ داشته باشد. از سویی دیگر در برابر تلاش‌های روسیه، آمریکا به شکل مستمر، عقب راندن این کشور به مرزهای فدراسیون را دنبال کرده است (کولایی، ۱۳۸۷: ۵۰) که نمونه آن را می‌توان در همسویی گرجستان با غرب در تشویق شرکت‌های غربی به انتقال انرژی منطقه از خاک گرجستان به ترکیه و از آنجا به بازارهای جهانی دانست که توانست باعث حضور بیشتر غرب در مناطق قفقاز و مرزهای جنوبی روسیه گردد. (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۵۰)

در بخش انرژی روسیه فروشنده اصلی انرژی به مصرف‌کنندگان منطقه (بلاروس، اکراین، مولداوی، گرجستان، ارمنستان) و خریدار اصلی تولیدکنندگان انرژی منطقه (قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان) می‌باشد. (پیشگاهی و موسوی فر، ۱۳۸۹: ۲۷۲-۲۷۱) با توجه به هدف اصلی روسیه از انتقال بی وقفه انرژی به غرب، روسیه در حوزه سیاست انرژی زیرساخت‌های لازم برای تسلط بر کشورهای حوزه قفقاز را انجام داده، بطوریکه هم اکنون گرجستان وابستگی شدیدی به منابع انرژی روسیه داشته و همچنین بخش‌های انرژی ارمنستان و مولداوی کاملاً تحت کنترل روسیه قرار دارد.

در ادامه با توجه به مناسبات نسبتاً خوب ایران و روسیه در همکاری‌های منطقه‌ای، باید اذعان داشت که روسیه در خصوص پروژه ناباکو، ایران را رقیب جدی منافعی خود دانسته و تمایل زیادی برای حضور آن نشان نمی‌دهد. (دادمان، ۱۳۹۷، ۱۴۲). همچنین نگاه انحصارطلبانه روسیه به آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان حوزه نفتی سنتی، و همچنین رقیب دانستن ایران در این حوزه، نگاه بدبینانه‌ای نسبت به چشم اندازه سیاست خارجی و تجاری ایران داشته و در عرصه جهانی بازار نفت و گاز

بعنوان کشوری خارج از اوپک با ایران بعنوان یک عضو از اوپک در حال رقابت و چانه زنی می‌باشد. (چشمه‌اعلائی، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

حساسیت‌های انتقال انرژی برای ایران، این کشور را همواره با چالش‌هایی جدی مواجه داشته است. با توجه به اینکه ایران تنها کشوری دارای منابع انرژی در منطقه نبوده و همین امر منجر گردیده تا دیگر کشورهای منطقه با رقابت با این کشور باعث کم رنگ شدن حضور ایران در انتقال انرژی به کشورهای قفقاز جنوبی گردند. همچنین علاوه بر کشورهای منطقه‌ای کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و روسیه نیز سعی در حذف ایران در بین کشورهای قفقاز جنوبی را دارند.

با توجه به نفوذ منطقه‌ای روسیه و تبادلات سنتی سیاسی و اقتصادی با کشورها قفقاز، حضور و نفوذ ایران در این منطقه که به نحوی حیات خلوت روسیه محسوب می‌گردد، باعث در پیش گرفتن سد نفوذ در سیاست‌های اعمالی ایران در این منطقه گردیده است. ساخته شدن مسیرها و خطوط انتقال منابع نفتی دیگر توسط آمریکا و کشورهای اروپایی خود نشان دهنده آن است که این کشورها سعی دارند از وابستگی کشورهای منطقه قفقاز جنوبی به خطوط لوله‌ای که از ایران می‌گذرد را کم کنند. بنابراین ایران برای انتقال انرژی به کشورهای منطقه قفقاز جنوبی علاوه بر رقابت با کشورهای منطقه‌ای باید از موانع ایجاد شده توسط قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای نیز عبور کند.

۲-۵. کنشگری ژئوپلیتیک آمریکا در بخش انرژی قفقاز

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، نظام دو قطبی جهانی فرو ریخت و جهان شاهد یک نظام تک قطبی برای دوره‌ای بسیار کوتاه شد که از آن با عنوان لحظه تک قطبی یاد می‌شود. همان ابتدای فروپاشی شوروی، آمریکا که خود را بدون رقیب می‌دید، تلاش کرد که در تمام مناطقی که بیشتر تحت نفوذ شوروی بوده است نفوذ کند که مهم‌ترین این مناطق، جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق بود. کشورهایی بر جای مانده از میراث شوروی سابق که در منطقه‌ی قفقاز واقع شده بودند به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شدند. در بخش جنوبی سه جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان قرار داشت که به سرعت وارد مسیر استقلال هر چه بیشتر از روسیه شدند و خواهان توسعه و پیشرفت بودند. از سویی دیگر روسیه دیگر همچون گذشته توان آن را نداشت که آنها را تحت سیطره خود داشته باشد. از این رو منطقه‌ی قفقاز جنوبی برای آمریکا از اهمیت بالایی برخوردار شد. با توجه به سیاست هژمونی و تضمین ابرقدرتی در منطقه، آمریکا حضور فعالی را در منطقه

دریای خزر داشته که این مهم با مسئله امنیت انرژی و موانع اتحادهای منطقه‌ای و استراتژیک در این منطقه پیوند ناگسستنی دارد. در واقع مهم ترین هدف آمریکا از چشم دوختن به منابع انرژی در منطقه قفقاز جنوبی کاهش میزان وابستگی خود به نفت خاورمیانه است. (یزدانی، ۱۳۸۵: ۳۵) و از سویی دیگر بدنبال آن است که در چارچوب مؤلفه‌های ژئوپولیتیک دست قدرت‌های منطقه‌ای همچون روسیه، چین و ایران را از این منطقه کوتاه نماید و کنترل همه جانبه منابع را در اختیار بگیرد تا از این طریق انحصار گرایی روسیه در انتقال نفت منطقه را محدود کند و هرگونه فرصت مشارکت فعال در انتقال نفت و گاز منطقه را از ایران بگیرد. این درحالی است که بنابر ادعای خود غربی‌ها ایران یکی از ارزان‌ترین و امن‌ترین و روسیه قدیمی ترین و سهل الوصول ترین طرق ممکن برای انتقال انرژی در منطقه می‌باشد. از این رو تلاش آمریکا بر این بوده که با استراتژی «خطوط لوله چند گانه» با انتقال نفت و گاز منطقه از طریق روسیه و ایران مقابله کند (یزدانی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۱).

همچنین در سال‌های اخیر به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحریم‌های اعمال شده علیه ایران که همواره بعد از انقلاب اسلامی از سوی آمریکا وجود داشته است نیز بیشتر شده و در بعضی مواقع سازمان ملل متحد نیز تحریم‌های جدیدی علیه ایران اعمال نموده است. بنابراین این تحریم‌ها در روابط ایران و کشورهای قفقاز جنوبی به مانند سایر کشورها تاثیرگذار بوده است. برای نمونه شرکت نفت و گاز آذربایجان سوکار که از صادر کنندگان محصولات نفتی به ایران است اعلام داشت که در صورت تحریم فروش بنزین به ایران این شرکت نیز شامل این قانون تحریم‌ها می‌شود (اولاد، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۷).

در واقع هدف آمریکا از اجرای این تحریم‌ها آن بود که فشارها بر جمهوری اسلامی ایران برای پذیرش توافق هسته‌ای را افزایش دهد و بتواند از طریق اهرم‌های فشار دو کشور روسیه و ایران را از مناطق قفقاز جنوبی دور کند و با ایجاد خط لوله انرژی (خط لوله باکو-تفلیس-جیحان) میزان وابستگی گرجستان و ترکیه به خطوط انرژی روسیه را کاهش دهد و از سویی دیگر میزان همکاری را در میان کشورهای گرجستان، ترکیه و آذربایجان افزایش دهد. در نهایت باید گفت کشورهای منطقه قفقاز نیز از تحریم‌های آمریکا علیه ایران دچار آسیب‌های زیادی شده اند، چرا که هر سه کشور به گاز طبیعی ایران وابسته بوده و همچنین باعث بی ثباتی اقتصادی کشورهای این منطقه می‌گردد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

۳-۵. اهمیت انرژی قفقاز برای اتحادیه اروپا

روابط نزدیک اتحادیه اروپا و منطقه قفقاز جنوبی بعد از گسترش اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ انجام پذیرفت. با بررسی بازار انرژی گاز جهانی می‌توان دریافت که اتحادیه اروپا همواره یکی از بزرگترین مصرف‌کننده‌های جهان است؛ قفقاز جنوبی نیز در جنوب شرقی منطقه اروپا واقع شده است از اهمیت والای استراتژیک و ژئواکونومیک برای کشورهای هم‌چون اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه و قدرتهای منطقه قفقاز برخوردار است. علاقه‌ی اتحادیه اروپا برای حضور در منطقه قفقاز جنوبی از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی تا به امروز مورد توجه بوده است. سه جمهوری قفقاز جنوبی (آذربایجان، ارمنستان، گرجستان) نیز علاقمند به گسترش عمق مناسبات خویش با اتحادیه اروپا و بهره‌مندی از پتانسیل‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک آن بوده‌اند.

تاسیس کریدورهای حمل و نقل شرق و غرب، سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های مطرح اروپایی در حوزه‌های نفت و گاز دریای خزر و خطوط لوله انتقال آن و عضویت در برنامه مشارکت برای صلح ناتو از جمله سیاست‌های اتخاذ شده طرفین در راستای رسیدن به منافع مشترک در بازه زمانی میان‌مدت و بلندمدت از جمله حضور این سه کشور در نهادهای اروپایی و فرآتلانتیکی می‌باشد. (رهنورد، ۱۳۸۸:۱۳۵).

با توجه به اینکه گرجستان در میان علایق فرآتلانتیکی اتحادیه اروپا قرار دارد، از اینرو اتحادیه اروپا و آمریکا منافع مشترکی در ثبات و پیشرفت گرجستان دارند. با توجه به منافع روسیه و اتحادیه اروپا در گرجستان، منافع آنها متأثر از یکدیگر بوده و در نتیجه اتحادیه اروپا بدنبال تشویق این کشورها برای حکومت مطلوب و حل منازعات در منطقه و تضمین دسترسی منابع انرژی به ویژه نفت و گاز دریای خزر و توسعه ارتباطات بین آسیا و اروپا می‌باشد.

جمهوری آذربایجان نیز تمایل دارد از طریق اجرای موافقتنامه مشارکت و همکاری و سیاست همسایگی، همگرایی با اتحادیه اروپا را تعقیب نماید. ارمنستان در چندین حوزه مهم در جهت اجرایی کردن طرح سیاست همسایگی اتحادیه اروپا گام برداشته است. اتحادیه اروپا به منظور رعایت استانداردهای دموکراتیک و عادلانه و برگزاری انتخابات و بهبود وضع حقوق بشر، مستمر نمایندگان خود را جهت بررسی و مذاکره به ارمنستان اعزام داشتند. با توجه به اینکه رعایت و بهبود استانداردهای مذکور از پیش شرط‌های تداوم کمک‌های فنی و اقتصادی اتحادیه اروپا به ارمنستان و بطور کلی قرار گرفتن هر سه کشور قفقاز جنوبی در چارچوب

The European Commission SDelegation,) اروپا است (،
(2008).

۴-۵. موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ترکیه در تزانزیت انرژی به اروپا

قرار گرفتن قفقاز جنوبی در میان دو حوزه دریایی (سیاه و خزر) در ترکیه، باعث اهمیت دو چندان این منطقه برای آن کشور گردیده است. همچنین ترکیه در ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با توجه به ایفای نقش در منطقه قفقاز جنوبی از نخستین کشورهایی بود که آسیا مرکزی و جمهوری قفقاز را به رسمیت شناخت. (نقدی نژاد و پور ابراهیم، ۱۳۸۸: ۴۰). روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه سبب شد سیاست خارجی این کشور از یک سیاست تک بعدی به یک سیاست خارجی چندبعدی، عملگرا و منافع محور در محیط پیرامونی و جهانی تبدیل شود. یکی از ارکان مهم این سیاست خارجی متحول شده، توجه به مناطق پیرامونی و کشورهای همسایه به منظور افزایش نقش و جایگاه ترکیه در این مناطق از جمله قفقاز جنوبی می‌باشد. (داوود اوغلو، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

حوزه قفقاز بخصوص آذربایجان همیشه راهی برای ترکستان بزرگ در سیاست خارجی ترکیه بوده و از طرفی در دیدگاه ترکیه، آذربایجان به عنوان کلید قفقاز و گرجستان و راهی برای دسترسی به آن بوده است. همچنین این کشور پس از فروپاشی شوروی یکی از راه‌های بقای خود را در نگاه به شرق (آسیای مرکزی و قفقاز) دید. همچنین عبور از کوه‌های قفقاز و باز کردن راهی مطمئن جهت دسترسی به آسیای مرکزی هدف کلی ترکیه بوده است (Colak, 2014: 41).

یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی ترکیه در قفقاز بر این اساس بوده که خطوط لوله و انتقال انرژی از طریق خاک این کشور به اقصی نقاط جهان صادر گردد. موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ترکیه و دسترسی این کشور به آب‌های آزاد در مقابل محصور بودن قفقاز در خشکی و عدم دسترسی آن به آب‌های آزاد، این مزیت را برای ترکیه ایجاد داشته تا از این ظرفیت برای منافع اقتصادی خود نهایت بهره‌مندی را داشته باشد. در حالت کلی می‌توان اهداف ترکیه در قفقاز جنوبی را اینگونه شرح داد: گسترش و توسعه نفوذ ناسیونالیسم ترکی به آسیای مرکزی، تأمین انرژی ترکیه از طریق دستیابی به منابع غنی انرژی قفقاز و رقابت با روسیه و ایران در کنار همکاری با آمریکا و اتحادیه اروپا، مشارکت و گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای ترک زبان منطقه در طرح‌های اقتصادی سودآور به ویژه در زمینه انتقال نفت و گاز کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان که این دو کشور اخیر با

وجود آنکه در قفقاز قرار ندارند، اما می‌توانند از طریق آذربایجان و گرجستان و یا آن طور که برنامه ریزی کرده اند از طریق ارمنستان در آینده به ترکیه متصل شوند (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۸)

۵-۵. وجود کریدورها رقیب برای ایران

ایالات متحده آمریکا تلاش می نماید نفت آذربایجان و بدنبال آن نفت قزاقستان را به بستر دریای خزر از طریق گرجستان به شمال ترکیه و از آنجا به بندر سوپاسی گرجستان و سپس از طریق کشتی از مسیر دریای سیاه و تنگه بسفر به اروپا برساند و این سیاست در راستای ایجاد یک پلورالیسم ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرد. از آنجا که ترکیه معتقد است از تنگه‌های بسفر و داردانل نفتکش‌های سنگین نمی‌توانند عبور کنند به جای آن پیشنهاد شد یک لوله از باکو به بندر جیحان واقع در سواحل مدیترانه‌ای ترکیه ایجاد شود. (صدقی، ۱۳۸۴: ۲۸). این خط لوله از مهم‌ترین مسیرهای انتقال نفت دریای خزر به بازارهای جهانی بوده و به شدت مورد حمایت آمریکا، اروپا و ترکیه می‌باشد. از ویژگی‌های قابل ملاحظه خط انرژی مزبور آن است که از میزان وابستگی اروپا به نفت غرب آسیا و خط لوله عبوری از خاک روسیه می‌کاهد. همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی را برای قدرت‌های بزرگ فراهم می‌آورد. این شرایط ژئوپلیتیکی برای دو کشور روسیه و آمریکا از اهمیت اساسی و بالایی برخوردار است. همچنین این مسیر ۱۷۷۶ کیلومتری از ساحل غربی دریای خزر شروع و از سه کشور آذربایجان، گرجستان و ترکیه عبور کرده و در ساحل دریای مدیترانه به کشتی منتقل و از آنجا نیز به بازارهای جهانی جابجا می‌شود (صدقی، ۱۳۸۴: ۳۲).

۵-۵-۱. انتقال کریدور نخجوان-جمهوری آذربایجان به خاک ارمنستان

انتقال کریدور نخجوان به آذربایجان امکان می‌دهد در مناطق جنوبی ارمنستان به منظور اتصال زمینی نخجوان به خاک آذربایجان، یک کریدور به عرض پنج کیلومتر در اختیار بگیرد، این کریدور ارتباطی اگرچه جدایی سال‌های دراز میان آذربایجان با نخجوان را از بین می‌برد، اما ظاهراً به صورت کامل در اختیار این کشور نخواهد بود و مالکیت آن حداقل به مدت ۵ سال در اختیار ارمنستان باقی خواهد ماند. با این همه این امکان جدید که به آذربایجان داده شده است، کریدورهای ارتباطی آذربایجان به نخجوان از خاک ایران را که پیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت، به حاشیه خواهد برد. همچنین اکنون تأمین گاز منطقه نخجوان بر عهده ایران بوده و آذربایجان در ازای این اقدام ایران در منطقه آستارا به ایران گاز تحویل می‌دهد. بر

این اساس احتمال تأسیس خط لوله مستقیم از کریدور جنوبی قره باغ به نخجوان و بی نیازی این منطقه از گاز ایران وجود دارد. بعلاوه ترکیه نیز مدت ها در صدد است تا تأمین گاز نخجوان را از طریق شهر ایغدیر و خط لوله ایغدیر - نخجوان بر عهده بگیرد تا وابستگی آذربایجان به سوپ گاز ایران قطع شود (رحیمی، ۱۳۹۹).

رقابت گازی ترکیه با ایران و گرفتن پروژه نخجوان به سال ۲۰۱۰ برمی گردد. در اوج تنش های سیاسی میان ایران و باکو، ترکیه از فرصت سوءاستفاده و تفاهم نامه ای را با شرکت ملی نفت آذربایجان امضا کرد که بتواند فرآیند انتقال گاز به نخجوان را بر عهده بگیرد. اما با انتخاب روحانی در سال ۲۰۱۳، روابط تجاری ایران و باکو بهبود یافت و این پروژه رها شد. با تحریم های چند سال اخیر آمریکا علیه ایران و در پی کمک به آمریکا، ترکیه بار دیگر سودای انجام این پروژه را در سر می پروراند. ترکیه که سال ها پیش برای گرفتن این پروژه برنامه ریخته بود، چند ماه پیش مناقصه ای را برای ساخت خط لوله انتقال گاز به نخجوان آذربایجان آغاز کرد. شرکت دولتی اوپراتور خطوط لوله انتقال گاز ترکیه موسوم به "بوتاس" مسئول برگزاری این مناقصه بود. بر اساس مناقصه مطرح شده از سوی ترکیه، این خط لوله در فاز نخست به طول ۸۰ کیلومتر و از شهر مرزی ایغدیر ترکیه به مرز نخجوان کشیده خواهد شد. ظرفیت حمل آن نیز به طول ۲ میلیارد متر مکعب گاز خواهد بود. این رقم حدود ۴ برابر مصرف گاز نخجوان است. طراحی این خط لوله در اوایل سال ۲۰۲۱ به پایان خواهد رسید و احتمالاً تا سال ۲۰۲۲ به بهره برداری می رسد. دولت ترکیه می خواهد با این کار وابستگی نخجوان برای تأمین گاز به ایران را قطع کند (رضایی: ۱۳۹۹).

۲-۵-۵. خط لوله گازی، باکو-تفلیس-ارزروم

احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان و باکو - تفلیس - ارزروم تغییرات مهمی را در وضعیت قفقاز جنوبی در ارتباط با بازیگران خارجی ایجاد کرد. خط لوله باکو - تفلیس - جیحان یکی از بحث برانگیزترین و سیاسیتزترین خطوط لوله انرژی در دوران مدرن می باشد. این خط لوله دومین خط لوله طولانی و یکی از پرهزینه ترین خطوط لوله دنیا می باشد (۴/۶ میلیارد دلار) خط لوله باکو - تفلیس - جیحان کار خود را در جولای ۲۰۰۶ آغاز کرد و ظرفیت آن ۱ میلیون بشکه نفت در هر روز می باشد. در سال ۲۰۰۶ آذربایجان طی تعهدی، ۵۳ میلیون بشکه نفت این خط لوله را در هر سال تأمین می کند (۱۸: ۲۰۱۲، Cornell & Starr)

این خط لوله برای دور زدن روسیه و ایران برای حمل گاز ترکمنستان از طریق دریای خزر به جمهوری آذربایجان و اتصال آن با خطوط لوله مسیر اروپا انجام گرفته

است. خط لوله انتقال گاز ترانس خزر، قرار بود بخشی از کریدور گاز جنوبی باشد. با این حال، برای این که مشارکت ترکمنستان در این پروژه بتواند سودآور باشد، عشق آباد باید به میزان قابل توجهی تولید را افزایش دهد که به احتمال زیاد بدون سرمایه‌گذاران خارجی که ترجیح می‌دهند همه خطرات در این زمینه را در نظر بگیرند، این امر ممکن نخواهد بود. اصلی‌ترین نگرانی برای سرمایه‌گذاران خارجی این است که آیا ترکمنستان قادر است حجم گاز مورد نیاز این پروژه را در کنار دیگر پروژه‌های گازرسانی اش از جمله خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند موسوم به تاپی تأمین کند یا نه. از این رو سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌مند هستند که به طور عینی منابع طبیعی گاز ترکمنستان را تحت کنترل اطلاعاتی داشته باشند، اما تاکنون، عشق آباد هیچ تمایلی برای افشای این اطلاعات نشان نداده است. (<http://irtkcc.com>).

بنابراین ایران برای انتقال انرژی در قفقاز جنوبی با کریدورهای رقیب دیگری که در بالا به آنها اشاره شد روبرو می‌باشد. همچنین اکثر این کریدورها از حمایت آمریکا برخوردار می‌باشند. شایان ذکر است از راهبردهای عمده آمریکا در سالهای اخیر متنوع سازی مسیرهای صادرات انرژی آسیای مرکزی و قفقاز از مسیرهایی مانند افغانستان می‌باشد. همچنین سیاست‌هایی که این کشور برای انتقال انرژی اتخاذ کرد برای مقابله با انتقال انرژی از مسیر ایران می‌باشد. قابل ذکر است در صورت نهایی شدن کریدور نخجوان - جمهوری آذربایجان به خاک ارمنستان و کریدور ترانس-خزر ایران جایگاه مهم خود را از دست خواهد داد.

۵-۶. مشکلات میادین نفت و گاز ایران

امروزه تأمین انرژی مورد نیاز، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت ملی هر کشوری محسوب می‌شود. ایران با در اختیار داشتن حداقل ۲۸ میدان مشترک، شامل ۱۸ میدان نفتی، ۴ میدان گازی و ۶ میدان نفت و گاز با کشورهای همسایه، یکی از معدود کشورهای جهان با این تعداد ساختار مشترک است. از این ۲۸ میدان، ایران با عراق ۱۲ حوزه مشترک، با امارات ۷ مخزن مشترک، با قطر و عمان هرکدام ۲ مخزن مشترک و با کویت و ترکمنستان هرکدام یک مخزن مشترک دارد. در سال‌های اخیر به دلیل وجود مشکلات و موانعی، ایران نسبت به سایر رقبای خود در بهره برداری از میادین مشترک عقب افتاده است.

این مشکلات و موانع را می‌توان در دو بعد منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم بندی کرد. در بعد منطقه‌ای، تشکیل ساختگی و انتشار رفتارهایی همچون ایران هراسی در

بین کشورهای حاشیه خلیج فارس موسوم به شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس که به ظاهر به منظور ایجاد چارچوبی برای همکاری و هماهنگی سیاست‌های دولتی میان کشورهای عضو با توجه به مسئله حفظ امنیت در منطقه اعلام شد، با توجه به این شورا در همان بدو تاسیس نگرشی مغرضانه توأم با سوءظن نسبت به جمهوری اسلامی ایران داشته و از طرفی رسالت اولیه شورا و تشکیل آن در راستای واکنشی به وقوع انقلاب در ایران بوده که نمو آن در حمایت همه جانبه از دولت عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران و با اعطای کمک‌های کشورهای عضو به ویژه عربستان و کویت و فراهم کردن تسهیلات برای خرید ادوات جنگی صورت پذیرفت. همچنین با توجه به توسعه و تولید حامل‌های انرژی و نیاز مبرم کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات انرژی و در نهایت وابستگی تکنولوژی سبب گردیده تا این بخش به منزله بخش کلیدی برای مؤثر کردن تحریم از جانب آمریکا و اتحادیه اروپا استفاده شود. همچنین تحریم‌هایی که مستقیماً بخش انرژی به ویژه نفت و گاز را نشان گرفته، مجازات‌هایی را برای شرکت‌هایی که به طرق مختلف جهت حمایت و کمک به صنعت نفت و گاز ایران را داشته‌اند در نظر گرفته است. (نوری و خوش چهره، ۱۳۹۵:۳۳۶).

۱-۷-۴- افزایش مصرف سرانه انرژی در ایران

آمارها نشان می‌دهند که تولید و مصرف انرژی در ایران طی سالهای گذشته بدون برنامه ریزی اصولی و بلندمدت صورت گرفته و در نتیجه اقتصاد کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه گردیده که در صورت تداوم وضعیت موجود در آینده نزدیک اقتصاد ایران به واردکننده خالص انرژی تبدیل خواهد شد. آمارهای مصرف انرژی در ایران نشان می‌دهند که مصرف انرژی در بخشهای مختلف اقتصادی ایران طی سالهای گذشته روندی فزاینده و رو به رشد داشته است. در چنین شرایطی پیش بینی می‌شود که اگر ساختار مصرف انرژی در بخشهای مختلف اصلاح نشود و روند کنونی ادامه یابد، مصرف انرژی در این بخش‌ها در سال ۱۴۰۴ بیش از تولید انرژی در کشور خواهد شد که در این صورت علاوه بر دست نیافتن به اهداف چشم انداز ۲۰ ساله بر جایگاه ایران در صادرات نفت خام خدشه وارد خواهد شد. از سوی دیگر، این امر اقتصاد کشور و محیط‌زیست را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد (معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی، ۱۳۸۷) سال ۱۳۹۶ مصرف انرژی روزانه ایران معادل ۳.۷ میلیون بشکه نفت خام است. از طرف دیگر مجموع میزان مصرف و تلفات، از عرضه سبقت گرفته است و این موضوع می‌تواند در آینده ایران را به واردکننده انرژی

تبدیل کند. البته مطالعات نشان می‌دهد که مصرف انرژی در دنیا طی این سال‌ها دو برابر شده است (ترانزنامه انرژی ایران: ۱۳۹۶). ایران سهم ۱.۸ درصدی از کل تولید انرژی دنیا را دارد. این تولید انرژی معادل ۸.۴ میلیون بشکه نفت خام در روز است. همچنین ۲ درصد انرژی کل دنیا در ایران مصرف می‌شود که این میزان مصرف سبب شده ایران در بین کشورهای دنیا نیز جایگاه نهم از نظر مصرف انرژی را داشته باشد (دنیای اقتصاد: ۱۳۹۹). در واقع سالانه ایران سهم زیادی از نفت و گاز تولیدی خود را به مصرف داخلی می‌رساند که این مساله نه تنها در ایران بلکه در دیگر کشورهای نفت خیز منطقه غرب آسیا نیز رایج است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد منطقه قفقاز جنوبی یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیک در جهان به شمار می‌آید که بر طبق نظریه قلب زمین مکیندر، سیطره بر آن سبب غلبه یافتن بر جهان می‌شود. دو ویژگی مهم این منطقه عبارت است از: پل ارتباطی غرب به شرق و شمال به جنوب است و حلقه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و نیز آفریقا به یکدیگر می‌باشد و دیگر آنکه این منطقه سرشار از منابع انرژی نفت و گاز در حوزه دریای خزر می‌باشد که این منابع در اختیار جمهوری آذربایجان است. هم‌چنین مسیر انتقال انرژی خزر به غرب به ویژه به اروپا نیز است. از این رو این منطقه، توجه قدرت‌های بزرگی همچون آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا را نیز به خود جلب کرده است و از سویی دیگر جمهوری‌های مستقل آن همچون آذربایجان و گرجستان در زمینه انتقال و صدور انرژی به کشورهای اروپایی و آمریکا تمایل خویش را اعلام کرده‌اند.

بنابراین مسئله انرژی به وسیله خطوط لوله در عصر کنونی از مهم‌ترین موضوعات بین کشورهای جهان می‌باشد. چه کشورهایی که وارد کننده و چه کشورهایی که صادر کننده انرژی هستند. و به مسیرهای انتقال انرژی اهمیت زیادی می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل موقعیت ژئو استراتژیک خاص خویش، و دارا بودن منابع عظیم انرژی از خطوط انتقال انرژی زیادی برخوردار می‌باشد و در این میان قفقاز جنوبی برای ایران اهمیت خاصی داشته است و با توجه به بازار مناسب این منطقه برای ایران به منظور انتقال انرژی خود همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. از جمله حضور دو قدرت بزرگی که در این منطقه بیشترین حضور را دارند یکی روسیه

است و دیگری آمریکا و به این واسطه هر یک سیاست خارجی خود را به ویژه در زمینه انرژی به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که برای نفوذ بیشتر در منطقه با یکدیگر به رقابت پردازند. روسیه از دیر باز به واسطه وجود دوران شوروی کبیر، در این منطقه ذینفع بوده است و از نفوذ سنتی برخوردار بوده است، و خود از بزرگترین دارندگان گاز جهان و یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان به شمار می‌رود و بعد از فروپاشی شوروی نیز همچنان مایل است تا انحصار سنتی فروش و انتقال انرژی به اروپا را در دست داشته باشد. در برابر روسیه، سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته است که همواره به روسیه به چشم یک رقیب جدی می‌نگرد و خواهان آن است که در وهله ی اول جلوی افزایش نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی را سد کند و ثانیاً انحصار فروش و انتقال انرژی روسیه به اروپا را از میان ببرد، لذا در زمینه توسعه قفقاز جنوبی به ویژه در زمینه انرژی و انتقال آن فعال شده است. کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای مانند آمریکا، روسیه، ترکیه خواهان پیگیری سیاست کاهش وابستگی کشورهای منطقه قفقاز به منابع انرژی ایران و کم‌رنگ کردن حضور ایران در این منطقه می‌باشند و اقداماتی همچون پیدایش تشکیل کریدورهای رقیب در این منطقه (انتقال کریدور نخجوان - جمهوری آذربایجان به خاک ارمنستان) را پیگیری کرده‌اند. در نهایت باید گفت با وجود چالش‌های گفته شده، مهم‌ترین چالش پیش روی ایران وجود مشکلات فنی و افزایش مصرف سرانه انرژی است که این مهم به مرور زمان سبب می‌شود تا ایران در آینده با بحران انرژی نیز روبه‌رو شود.

منابع

- احمدی، حسین (۱۳۸۷)، "چالش‌های قومی در قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفدهم، دوره سوم، ش ۶۳.
- اطاعت، جواد و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر، مطالعات اوراسیای مرکزی، ش ۳.
- افشری، محمد حسین (۱۳۸۱)، "ژئوپولیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، چ اول، (تهران، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی).
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۱)، "جغرافیای کامل قفقاز"، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی وزرات دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- امیری، علی و همکاران، (۱۳۹۲)، "تحلیل فضایی- امنیتی خطوط انتقال انرژی در ایران (خطوط لوله نفت و گاز)"، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره (۳۴)، ۱۳۳-۱۵۷.
- اولاد، یعقوب علی، (۱۳۹۰)، "موانع و راهکارهای گسترش روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه قفقاز"، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات منطقه ای، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران.
- بزرگمهری، مجید، طباطبایی، سیدمهدی، (۱۳۹۶)، "بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵"، فصلنامه سیاست خارجی، شماره (۲)، ۱۰۹-۱۵۰.
- پرویزی فرا، اردشیر (۱۳۹۷)، "نقش مزیت‌ها و موقعیت ژئوپولیتیک گرجستان در روابط اقتصادی با ایران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تیشه یار، ماندانا، بهرامی، سمیه، (۱۳۹۷)، "سیاست خارجی عمل‌گرایانه ایران در قفقاز جنوبی در فضای پساجام"، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره (۱)، ۲۳-۳۸.

ثریا، جمشید، (۱۳۸۹)، "همگرایی منطقه ای قفقاز جنوبی: موانع و چالشها از منظر جمهوری اسلامی"، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی روابط بین‌الملل، شماره (۱۲)، ۱۶۹-۱۹۸.

ثمودی پيله رود، علیرضا و محمد، اکبری (۱۳۹۱)، "پوتین؛ تغییر یا تداوم سیاست خارجی روسیه در دوره جدید"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۸، ش ۷۷.

ثمودی پيله رود، علیرضا، نوروزی زرمهری، عابد (۱۳۹۴)، "قفقاز جنوبی؛ دلسرد از اتحادیه اروپا و ناامید از فدراسیون روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۹۰.

جعفری ولدانی، اصغر و همکاران، (۱۳۹۴)، "تغییرات ژئوپلیتیکی قفقاز و تاثیر عوامل ثابت ژئوپلیتیکی حاصل از آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره (۲۸)، ۱۳۵-۱۶۰.

چشمه اعلائی، مهرداد، (۱۳۸۴)، "جمهوری اسلامی ایران و تحولات حوزه قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره چهارم، شماره (۵۲)، ۱۷۶-۱۴۷.

حیدری، غلامحسین، (۱۳۹۰)، "جایگاه ژئوپلیتیک قفقاز در سیاست قدرت های منطقه ای"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره هفتم، صص ۲۴۵-۲۰۷.

دادمان، علیرضا، (۱۳۹۷)، "ارزیابی جایگاه ایران در مناسبات انتقال انرژی در قفقاز جنوبی"، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، شماره (۳۳)، ۱۲۹-۱۴۸.

داوود اوغلو، احمد (۲۰۰۱)، "عمق راهبردی"، مترجم: محمد حسین نوحی
نژاد ممقانی، انتشارات: امیر کبیر.

دبیری، علی اکبر، اعظمی، هادی (۱۳۹۱)، "ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی"، دوره ۱۲، شماره (۴۰)، ۲۵-۴۷.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۹)، "سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره (۱)، ۲۰۸-۲۳۹.

رهنورد، حمید (۱۳۸۸)، "سیاست اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی: منافع و چالش‌ها"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۵.

شادیوند، قادر (۱۳۹۱)، "رویکرد اتحادیه اروپا در قبال ذخایر نفت خام و گاز طبیعی آسیای میانه و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران"، ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره (۹۸)، ۳۴-۴۰.

شعبانی، مریم، (۱۳۹۸)، "نقش و موقعیت استراتژیک ایران در ایجاد خطوط انتقال انرژی (نفت و گاز) به اروپا و تاثیر آن بر همگرایی فرامنطقه‌ای ایران"، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره (۳)، ۴۳۱-۴۴۴.

صالحی دولت‌آبادی، روح‌اله، حمیدی نیا، حسین (۱۳۹۴)، "انرژی عرصه «بازی بزرگ جدید» در آسیای مرکزی (مطالعه موردی روسیه، آمریکا و چین)"، شماره (۹۰)، ۶۷-۹۶.

صدقی، ابولفضل، (۱۳۸۴)، "بررسی مسیرهای انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر"، ماهنامه ایراس ۱۳۸۴ شماره (۵)، ۲۳-۴۱.

عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، "ایران و کشورهای قفقاز جنوبی"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، ش ۱۰.

فلاحی، فریبرز، (۱۳۸۹)، "رقابت ایران و ترکیه در قفقاز"، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی.

قادری نجف آبادی، علی (۱۳۸۱)، "اهمیت منطقه دریای خزر"، روزنامه کیهان، ۱۸ اسفند.

قلاوند، جهانبخش، ۱۳۹۰، "بررسی عناصر تاثیرگذار بر مسیرهای انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی با تاکید بر مسیر ایران"، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

کریمی پور، داوود (۱۳۹۹)، "دیپلماسی انرژی و راهبرد موازنه منطقه ای روسیه در خاورمیانه"، فصلنامه روابط خارجی، سال دوازدهم، ش ۴.

کولایی، الهه (۱۳۸۷). "ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره (۱)، ۴۷-۷۰.

متقی، ابراهیم، همت خواه، مریم، (۱۳۸۷)، "جایگاه ایران در بازار انرژی آسیای مرکزی"، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره (۱)، ۱۲۷-۱۴۶.

موسوی فر، رحمت الله (۱۳۸۸)، "ارزیابی منافع قدرتهای منطقه ای و فرمانطقه ای در قلمرو ژئوپلیتیکی قفقاز"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

میر اشرفی، سید نوراله، کیانی، داود، شیرخانی، علی (۱۳۹۷)، "بررسی تطبیقی سیاست آمریکا و روسیه در قبال امنیت انرژی در قفقاز جنوبی"، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ش ۴۳.

نوری، جعفر و خوش چهره، فاطمه (۱۳۹۵)، "موانع و راهکارهای بهره برداری از میدین مشترک نفت و گاز ایران"، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۲، ش ۲.

ویسی، هادی (۱۳۸۸). " جایگاه خلیج فارس در تحولات ژئواکونومی جهان مطالعه موردی صادرات گاز طبیعی ایران"، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره (۴۶)، ۹۳-۱۱۹.

یزدانی، عنایت الله (۱۳۸۵). "ژئوپلیتیک نفت در منطقه خزر و نقش آمریکا: بازدارنده جدید"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی، ش ۵۶.

یو.آ. بلايوف و همکاران، (۱۳۹۳)، «شورا امور بين الملل روسيه مناسبات امروز ايران و روسيه» چالش‌ها و فرصت‌ها.

Azizi, Hamidreza, 2018, Iran and Russia in Central Asia and the Caucasus: Areas of Cooperation and Causes of Conflict, <http://www.iras.ir/en/doc/article/3597>

Chankvetadze & Murusidze, Ketevan, 2020, The ties that bind: The South Caucasus and the Middle East, <https://www.mei.edu/publications/ties-bind-south-caucasus-and-middle-east>.

Deudney, Daniel H., 2013, Geopolitics, <https://www.britannica.com/topic/geopolitics#info-article-history>

Kornel, Kakachia, 2011, Challenges to the South Caucasus regional security aftermath of Russian-Georgian conflict: Hegemonic stability or new partnership, Journal of Eurasian Studies Volume 2, Issue 1, January 2011, Pages 15-20

Poghosyan, Benyamin, 2019, Iran – South Caucasus. Current stage and perspectives of relations, <http://www.neweasternpolitics.com/announcements-events/>

S.E. Cornell, S.F. Starr "A Western Strategy for the South Caucasus", Silk Road Paper published by the Central. Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies

Program, 2012 Çolak, Mustaf, (2014), "Osmanlı - Alman Rekabeti Çerçevesinde Kafkas Müslümanlarının Bağımsızlığı ve Bakü Meselesi (1917-1918)", Gaziosmanpaşa Üniversitesi, p. 27-43, January, 2014, JHS History Studies, Volume 6, Issue 1 January, Ankara

Markedonov, Sergey (2014), A Dangerous 'Thaw' In The 'Frozen Conflicts' in The Post-Soviet Space, Russia Direct, 6 August 2014.

سایت

مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا: <http://www.iraneurasia.ir>

رحیمی، رضا، ۱۳۹۹، پیامدهای ژئوپلیتیکی جنگ قره باغ برای ایران، قابل دسترس در سایت:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/1016105>

<https://www.trademap.org>

<http://irtkcc.com>